

وی در این نامه که تصویری از آن برای خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) ارسال شده آورده است:

مطابق اصل ۲۹ قانون اساسی، هتک حرمت کسی که به حکم قانون، دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است. وی در بخش‌هایی از این نامه آورده است: اسارت بلا دلیل و با عت، قابل تحمل است، اما حجم وسیع دروغ، بهتان و هتک حیثیت طرح شده در ماه‌های گذشته، بدون آن که امان پاسخگویی فراهم باشد، موجب صعود به وضعیتی است که شاید مطلوب خیرخواهان ایران دوست نباشد. طی ۲ ماه اخیر بر حجم تهاجمات ناجوانمردانه مدعیان اصول‌گرایی بر من افزوده شد: از اتهام محاربه با نظام گرفته تا اتهام جاسوسی برای افسر آمریکایی عضو ناتو، از اصلاح‌طلب آمریکایی تا ارتزاق کننده از دلارهای آمریکایی. من به ناگزیر در ۲ مورد وادار به شکایت شدم که در این جا آن موارد را به استحضار جنابعالی می‌رسانم:

۱- آقای محمد جواد لاریجانی طی مصاحبه‌ای با شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی که در تاریخ ۱۰ دیماه ۷۹ در روزنامه ایران منتشر شد، مدعی گردید: اکبر گنجی عضو باند مهدی هاشمی، اولین گروه مافیایی در ایران بود و به خاطر روابط نزدیکش با آن شخص چند سال پیش زندانی شد.

بنده نه عضو باند مهدی هاشمی بودم، نه با او روابط نزدیک یا دور داشتم و نه به دلیل عضویت در باند مهدی هاشمی به زندان افتادم. از این رو در تاریخ ۷۹/۹/۱۱ طی نامه‌ای به ریاست محترم دادگستری استان تهران از آقای لاریجانی به دلیل نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و اضرار به غیر و افترا شکایت کردم. پس از انعکاس خبر شکایت من از آقای لاریجانی در مطبوعات، روزنامه انتخاب طی مصاحبه‌ای از وی می‌پرسد: شما در مورد آقای گنجی گفتید که ایشان جاسوس و همدست مهدی هاشمی بوده است. لاریجانی پاسخ داد: خب من فکر می‌کنم با اطلاعاتی که داشتم این حرف را زدم. کسی هم نیست که ادعا کند همه حرف‌هایم درست است، گل آقا می‌گفت پیش‌بینی‌های لاریجانی غیر از آن‌هایی که غلط است بقیه اش درست است. بعدا دیدم آقای گنجی گفته از دست من شکایت کرده است. البته من احترام بالایی برای آقای گنجی قا یلم. فکر می‌کنم حرف من کمترین فایده اش این بود که آقای گنجی هم احساس کرد که اگر بخواهد نسبتی به افرادی بدهد، نیاز به یک برهان است. چون نوشته‌های ایشان پر از استنادات متعددی است که برهان‌هایش نزد خودش است (انتخاب ۷۹/۱۱/۱۶)

با اینکه کذب بودن مدعی آقای لاریجانی روشن شده است، اما دادگستری تهران با گذشت حدود ۲ ماه از شکایت بنده هیچ اقدامی در این زمینه صورت نداده است. آقای لاریجانی برای اینکه رقیب فکری وادار شود دلایل مدعیاتش را بیان کند، او را جاسوس و تروریست خوانده است. این شیوه و روش احتجاج کسانی است که از آغاز جریان نو اندیشی دینی در جناح راست سخن می‌گویند و از آن دفاع می‌کنند. تکلیف تاریک اندیشان آن جناح مشخص است. از طریق شبکه جهانی بی‌بی‌سی به جهانیان گفته می‌شود رقیب فکری ما تروریست است. ۲- در روز ۷۹/۸/۱۹ قبل از حضور در جلسه دادگاه برلین توسط ۲ مامور زندان به شدت مضروب شدم. پس از علنی شدن موضوع در جلسه دادگاه، مدت ۱۲ روز اعصاب غذا کردم. سازمان زندان‌ها با رد مدعا، از من به دلیل نشر اکاذیب شکایت کرد. شعبه ۲۸ دادگاه عمومی پس از رسیدگی مرا از این اتهام تبریه کرد. با اینکه ۲۵ روز پس از مضروب شدن مرا به پزشکی قانونی بردند تا آثار ضرب و شتم محو شده باشد، ولی دلایل کافی برای تایید موضوع وجود داشت. ضاربان، حداقل بر این نکته تاکید و اعتراف کردند که با دستور، به زور و با شدت لباس زندان بر تن من کردند.

۲- آقای محسنی اژه‌ای طی سخنرانی در مدرسه فیضیه قم اعلام کرد: الف- کل بودجه سال ۷۷ دادگاه ویژه روحانیت ۲۰ میلیون تومان بود در حالی که آقای مهاجرانی از محل سود سپرده‌های حج برای خرید کتاب عالیجناب سرخپوش و چند کتاب مشابه در یک رقم فقط ۲۰ میلیون تومان کمک کرده است. (کیهان ۷۹/۱۱/۲)

نامبرده چند روز بعد ادعای کذب خود را به شکل زیر تصحیل کرد: آقای مهاجرانی از محل سود سپرده‌های حج برای خرید کتاب عالیجناب سرخپوش و چند کتاب مشابه، مبلغ هنگفتی کمک کرده است (کیهان ۷۹/۱۱/۲۳)

آقای مهاجرانی در واکنش اعلام کرد: این مطلب کذب محض است (دوران امروز ۷۹/۱۱/۲۴)

کتاب عالیجناب سرخپوش در عرض چند ماه ۱۶۵ هزار نسخه تیراژ یافت. آیا چنین کتابی نیازمند کمک آقای مهاجرانی، آن هم از سود سپرده‌های حج است؟

ب- در زمانی که ملاقات‌ها با خانواده گنجی کم شد، وی از زندان پیام تهدید برای آن‌ها فرستاد که همه چیز را درباره شما خواهیم گفت که دوباره عده‌ای از جبهه مشارکت و سازمان مجاهدین با امضای نامه شروع به دفاع از وی کردند (کیهان ۷۹/۱۱/۲۰). این ادعا کذب محض است. آدمی دچار شگفتی شود از این شیوه جعل خبر. اصلاً چه چیزی وجود دارد که من آن را افشا کنم؟ آیا خراب کردن من و از میدان به در کردن احزاب پیروز انتخابات با این روش‌های ناصواب امکان پذیر است؟ این گنجی کیست که با یک پیام احزاب اصلی دوم خرداد را می‌ترساند؟

ج- آقای محسنی‌اژهای در آن سخنرانی مرا فاسق نامید و اعلام کرد که مخالفان خود را تطمیع و تهدید می‌کنم و ایشان را نیز تطمیع و تهدید کردم (دوران امروز ۷۹/۱۱/۲۳). من در تاریخ ۷۹/۱۱/۲۴ از آقای محسنی‌اژهای به دلیل نشر اکاذیب به قصد تشوش اذهان عمومی و اضرار به غیر، افترا و دشمنان‌گویی به دادگستری استان تهران شکایت کردم. اما متأسفانه به احتمال زیاد این شکایت را هم به دادگاه ویژه روحانیت، نزد آقای محسنی‌اژهای ارسال کرده‌اند.

د- آقای محسنی‌اژهای طی مصاحبه‌ای جدید با ایسنا ضمن تکذیب کمک آقای مهاجرانی به خرید کتاب عالیجناب سرخپوش اکاذیب جدید منتشر می‌نماید. وی در خصوص صدور حکم قتل پیروز دوانی می‌گوید: ادعای گنجی برای تخریب من است و خود می‌داند که دروغ است. او در واقع عامل افرادی است که به او کمک کرده و اکنون نیز مرتب او و خانواده‌اش را پشتیبانی می‌کنند تا مبادا از مواضع عقب‌نشینی کند (دوران امروز ۷۹/۱۱/۳). اولاً بنده مطمئنم. اگر شک دارید، یک دادگاه علنی با حضور خبرنگاران داخلی و خارجی برگزار کنید و اجازه دهید تا من کل ماجرای قتل‌های زنجیرهای را با جزئیات کامل برملا کنم، تا سیه روی شود هر که در او غش باشد. ثانیاً آقای محسنی‌اژهای باید به طور علنی و شفاف اعلام کنند، بنده عامل چه کسانی هستم؟ اگر بنده آنقدر قدرت دارم که با یک پیام جبهه‌ی مشارکت اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را می‌ترسانم و آنها را به حمایت از خود و می‌دارم؛ دیگر معنا ندارد که بنده عامل پشتیبانان خود و خانواده‌ام باشم. آقای محسنی‌اژهای به جای رفع تعارض از مدعیات پارادوکسیکال خویش، به نشر مطالب ناصحیح می‌پردازد.

ثالثاً بیش از ۵ ماه از قطع تلفن روزنامه‌نگاران می‌گذرد. حدود یک ماه است که بند ۲۲۵ به طور کامل تخلیه شده است و بیش از یک ماه از قطع ملاقات با خانواده‌ها می‌گذرد؛ حمایت‌کنندگان بیرونی از چه راهی به طور مرتب عامل خود را هدایت می‌کنند تا مبادا از مواضع خود عقب‌نشینی کند. رابعاً تنها رابطان ما بازجویان هستند.

۴- آقای ناطق‌نوری طی مصاحبه‌ای با روزنامه‌کیهان اعلام داشت: این ناطق مگر همان ناطقی نیست که در زمان وزارت کشور با کسانی که ریختند در خیابان ولی عصر و دختران مردم را کتک زدند، برخورد کرد در حالی که کسی در آن فضا جرات نمی‌کرد جلوی آنها را بگیرد. حالا ما شدیم طالبان و این آقایی که آن روز زنان و دختران را کتک می‌زد، شده است آزادخواه و اصلاً حطاب. همین آقای اکبر گنجی، این آقا جزو کسانی بود که آن روز در خیابان ولی عصر آن کارها را می‌کردند و بنده به دستور حضرت امام با آنها برخورد کردم. حالا من می‌شوم طالبان و اینها می‌شوند مظهر آزادی (کیهان ۷۹/۱۱/۲۷). این مدعا کذب محض است، لذا بنده به دلیل نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و اضرار به غیر و افترا در تاریخ ۷۹/۱۱/۲۹ از آقای ناطق‌نوری به دادگستری استان تهران شکایت کردم.

جناب آقای خاتمی،

مطابق اصل ۲۴ قانون اساسی: دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همگی افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترسی داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد. متأسفانه دادگستری تهران برخلاف نص صریح قانون اساسی بنده را از مراجعه به دادگاه‌های صالح باز می‌دارد.

مطابق اصل ۱۵۹ قانون اساسی: مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است. تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است و مطابق اصل ۱۷۲ قانون اساسی تنها یک دادگاه ویژه برای رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی اختصاص داده شده است و در آنجا نیز تصریح شد که به جرایم عمومی آنان یا جرایمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب می‌شوند در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود.

از سوی دیگر اصل ۹ قانون اساسی تأکید دارد: هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.

مطابق اصل ۹ حتی مجلس قانونگذار، چه رسد به مقام غیر صالح در قانونگذاری، حق ندارد با وضع قانون آزادی‌های مشروع شهروندان را سلب کند. مطابق اصل ۲۴ ارایه دادخواهی در دادگاه‌های صالح دادگستری حق مسلم هر فرد است. ارجاع شکایات افراد از روحانیون به دادگاه ویژه روحانیت، سلب آزادی‌ها و حقوق مشروع شهروندان است.

مطابق ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی: هر یک از مقامات و مأمورین دولتی که برخلاف قانون، آزادی‌های شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نماید، علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت ۲ تا ۵ سال از مشاغل دولتی به حبس از ۶ ماه تا ۲ سال محکوم خواهد شد.

ارجاع شکایات از مقامات روحانی به دادگاه ویژه روحانیت، محروم کردن شهروندان از حقوق مقرر در قانون اساسی است.

جناب آقای خاتمی،

مطابق اصل ۱۴ قانون اساسی: رسیدگی به اتهام رییس جمهور و معاونان او و وزیران در مورد جرایم عادی با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاه‌های عمومی دادگستری انجام می‌شود.

وقتی به جرایم عالیترین مقام کشور، پس از مقام رهبری، وزرای اطلاعات و کشور و دادگستری، که همگی روحانی‌اند، در دادگاه‌های عمومی رسیدگی می‌شود؛ چرا با نقض قانون اساسی و قوانین مصوب مجلس به جرایم رییس دادگستری تهران، دادستان کل دادگاه ویژه روحانیت و آقای ناطق‌نوری در دادگاه ویژه روحانیت رسیدگی می‌شود.

آقای خاتمی،

بنده طی ماه‌های گذشته تمامی راه‌های قانونی را طی کردم ولی متأسفانه در چارچوب نظام قضایی حاکم، دادخواهی من پاسخی دریافت نکرد.

جنابعالی قانوناً مجری قانون اساسی هستید، اما همگان واقفند که عملاً اختیاراتی متناسب با این وظیفه مهم به شمار واگذار نشده است. لذا من نمی‌توانم انتظار خاصی از حضرت عالی داشته باشم. فقط از شما می‌پرسم اگر برای دادخواهی به نهادهای بین‌المللی شکایت برم، آیا این اقدام موجب ملامت است؟

ما آزموده‌ایم در این شهر بخت خویش

بیرون کشید باید از این ورطه رخت خویش

من هرگز تمایل ندارم و آرزو نمی‌کنم که شهروندان جهت دادخواهی به ناچار به نهادهای بین‌المللی پناه ببرند. اما متأسفانه یا خوشبختانه واقعیات جهان خارج تابع تمایلات و آرزوهای ما نیست. اگر قوه قضاییه بر رویکرد سیاسی-جناحی و قضاوت‌های خلاف داورى افکار عمومی و منافع ملی پافشاری کند، هیچ راهی جز نادیده گرفتن این دستگاه و ارجاع دعاوی به نهادهای فراملی باقی نمی‌ماند.

جناب آقای خاتمی،

مطمئن باشید که بنده هیچ مشکلی برای تحمل حبس ندارم و نمی‌توانم با زندانی کردن، ما را به عقب‌نشینی از مواضع و اعتقادات واداشت. اگر اسارت روزنامه‌نگاران به رشد و آبادانی کشور و تحکیم و تعمیق جنبش اصلاح‌طلبی مردم ایران زمین یاری رساند، خدا را شاکر خواهیم بود. تمامی کوشش‌ها باید در جهت قانع کردن خاتمی برای کاندیداتوری مجدد، حضور ۴ میلیونی مردم در انتخابات و تبدیل انتخابات به رفراندوم ملی با رای به خاتمی و برنامه‌هایش معطوف باشد. طلب روزنامه‌نگاران زندانی از محافظه‌کاران با رای مردم در ۱۸ خرداد، ۸ نقد خواهد شد.